

سوره مؤمنون

ترجمه انصاریان، ص: 342

23- مکی 118 آیه

- به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی (0)
- بی تردید مؤمنان رستگار شدند. (1)
- آنان که در نمازشان [به ظاهر] فروتن [و به باطن با حضور قلب] اند. (2)
- و آنان که از [هر گفتار و کردار] بیهوده و بی فایده روی گردانند، (3)
- و آنان که پرداخت کننده زکات اند، (4)
- و آنان که نگه دارنده دامنه‌شان [از شهوت‌های حرام] اند، (5)
- مگر در [کام جویی از] همسران یا کنیزانشان، که آنان [در این زمینه] مورد سرزنش نیستند. (6)
- پس کسانی [که در بهره‌گیری جنسی، راهی] غیر از این جویند، تجاوزکار [از حدود حق] هستند. (7)
- و آنان که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند، (8)

و آنان که همواره بر [اوقات و شرایط ظاهری و معنوی] نمازهایشان محافظت دارند.
(9)

اینانند که وارثان‌اند، (10)

وارثانی که [از روی شایستگی] بهشت فردوس را به میراث می‌برند [و] در آن
جاودانه‌اند. (11)

و یقیناً ما انسان را از [عصاره و] چکیده‌ای از گِل آفریدیم، (12)

سپس آن را نطفه‌ای در قرارگاهی استوار [چون رحم مادر] قرار دادیم. (13)

آن گاه آن نطفه را علقه گرداندیم، پس آن علقه را به صورت پاره گوشتی درآوردیم،

پس آن پاره گوشت را استخوان‌هایی ساختیم و بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم، سپس

او را با آفرینشی دیگر پدید آوردیم پس همیشه سودمند و بابرکت است خدا که

نیکوترین آفرینندگان است. (14)

سپس همه شما بعد از این می‌میرید. (15)

آن گاه شما روز قیامت بدون تردید برانگیخته می‌شوید. (16)

و بی‌تردید بالای سرتان هفت آسمان [که هر يك بر فراز دیگری است] آفریدیم، و ما

از آفریده‌ها بی‌خبر نیستیم. (17)

و از آسمان، آبی به اندازه نازل کردیم و آن را در زمین جای دادیم و بی تردید به از
بین بردن آن کاملاً توانمندیم. (18)

پس به وسیله آن برای شما باغ‌هایی از درختان خرما و انگور پدید آوردیم که برای
شما در آنها میوه‌های فراوانی است [که از فروش آنها زندگی خود را اداره می‌کنید]
و [نیز] از آنها می‌خورید. (19)

و [به وسیله آن] درختی را که از طور سینا بیرون می‌آید [پدید آوردیم] که برای
خورندگان، روغن و نان خورشی می‌رویانند. (20)

و به یقین برای شما در دام‌ها عبرتی است، از شیری که در شکم آنهاست به شما
می‌نوشانیم، و در آنها برای شما سودهای فراوانی است، و از [گوشت] آنها [نیز]
می‌خورید. (21)

و بر آنها و بر کشتی‌ها حمل می‌شوید (22)

و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که
معبودی جز او برای شما نیست، پس آیا [از پرستش معبودان باطل] نمی‌پرهیزید؟
(23)

پس سران و اشراف قومش که کافر بودند، گفتند: این جز بشری مانند شما نیست که
می‌خواهد بر شما برتری جوید، و اگر خدا می‌خواست [پیامبری بفرستد] قطعاً

فرشتگانی [را به پیامبری] می فرستاد، ما این [سخنانی] را [که نوح می گوید] میان
پدران پیشین خود نشنیده ایم. (24)

او نیست جز مردی که [نوعی] دیوانگی به اوست بنابراین نسبت به او تا مدتی منتظر
بمانید [که بمیرد یا از دیوانگی رهایی یابد]. (25)

[نوح] گفت: پروردگارا! مرا در برابر تکذیب آنان یاری ده. (26)

پس به او وحی کردیم که: زیر نظر ما و پیام ما کشتی بساز و هنگامی که فرمان ما به
هلاکت آنان بیاید و آن تنور [از آب] فوران کند از هر گونه ای [از حیوان] دو عدد
[یکی نر و دیگری ماده] و نیز خانواده‌ات را وارد کشتی کن، جز افرادی از آنان که
فرمان [عذاب] بر او گذشته [و درباره او قطعی شده] است، و درباره کسانی که [به
سبب شرك و كفر] ستم ورزیده‌اند، با من سخن مگوی، زیرا [همه] آنان بدون تردید
غرق شدنی‌اند. (27)

ترجمه انصاریان، ص: 344

پس هنگامی که تو و آنان که با تو هستند، بر کشتی سوار شدید، پس بگو: همه
ستایش‌ها ویژه خداست که ما را از این گروه ستم‌پیشه نجات داد. (28)

و بگو: پروردگارا! مرا در جایگاهی پرخیر و برکت فرود آور، که تو بهترین
فرودآوردگانی. (29)

همانا در این [سرگذشت] نشانه‌هایی [از قدرت، رحمت و انتقام خدا] برای عبرت گیرندگان است و یقیناً ما آزمایش کننده بندگانیم. (30)

سپس بعد از آنان قومی دیگر را به وجود آوردیم. (31)

و پیامبری از خودشان در میان آنان فرستادیم که: خدا را پرستید، شما را جز او معبودی نیست، آیا [از پرستش معبودان باطل] نمی‌پرهیزید؟ (32)

و از سران و اشراف قومش که کافر بودند و دیدار آخرت را تکذیب می‌کردند، و آنان را در زندگی دنیا از وسایل و ابزار مادی فراوانی برخوردار کرده بودیم، گفتند: این جز بشری مانند شما نیست که از آنچه شما می‌خورید می‌خورد، و از آنچه شما می‌آشامید می‌آشامد. (33)

و بی‌تردید اگر بشری مانند خود را اطاعت کنید، یقیناً زیانکارید. (34)

آیا به شما وعده می‌دهد هنگامی که از دنیا رفتید و خاک و استخوان شدید [زنده از گور] بیرون‌تان می‌آورند؟ (35)

[از عقل ما] دور است و بسیار دور است آنچه به شما وعده می‌دهند، (36)

جز این زندگی دنیای ما [زندگی دیگری] وجود ندارد، همواره [گروهی] می‌میریم و [گروهی دیگر] به دنیا می‌آییم، و ما پس از مرگ برانگیخته نخواهیم شد. (37)

او نیست مگر مردی که بر خدا افترا بسته است و ما باور کننده او نیستیم. (38)

گفت: پروردگارا! مرا در برابر تکذیب آنان یاری ده. (39)

خدا فرمود: همانا پس از اندك زمانی پشیمان می شوند. (40)

پس فریاد مرگبار [عذاب] آنان را بر [پایه وعده به] حقّ [ما] فرو گرفت، و آنان را

چون خاشاك روی سیل قرار دادیم پس قوم ستمکار [از رحمت خدا] دور باد. (41)

سپس بعد از آنان قومی دیگر را به وجود آوردیم. (42)

ترجمه انصاریان، ص: 345

هیچ امتی از اجل [معین] خود نه پیش می افتد و نه پس می ماند. (43)

آن گاه پیامبران را پی در پی فرستادیم هر زمان برای امتی پیامبرش می آمد او را

تکذیب می کردند، و ما این [امت] ها را به دنبال یکدیگر هلاک می کردیم و آنان را

[به صورت] سرگذشتها [برای عبرت دیگران] قرار دادیم پس ملتی که ایمان

نمی آورند از رحمت خدا دور باد. (44)

سپس موسی و برادرش هارون را با معجزات و آیات خود و دلیلی روشن فرستادیم،

(45)

به سوی فرعون و سران و اشراف قومش، پس تکبر ورزیدند و آنان قومی برتری جو

بودند. (46)

و گفتند: آیا به دو بشری که مانند خودمان هستند ایمان بیاوریم در حالی که قوم [و قبیله] آن دو بردگان ما هستند؟ (47)

در نتیجه هر دو را تکذیب کردند و از هلاک شدگان شدند. (48)

همانا ما به موسی کتاب دادیم، تا آنان هدایت شوند. (49)

و پسر مریم و مادرش را نشانه [قدرت و رحمت خود] قرار دادیم و آن دو را در سرزمینی بلند که [دارای] جایگاهی مستقر [و امن] و آبی روان بود، جای دادیم. (50)

ای پیامبران! از خوردنی‌های پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید مسلماً من به آنچه انجام می‌دهید، دانایم. (51)

و بی‌تردید این [اسلام] آیین [حقیقی] شماست در حالی که آیینی یگانه است، و من پروردگار شمایم بنابراین از من پروا کنید. (52)

پس کار [آیین] خود را میان خویش قطعه‌قطعه کردند [و گروه گروه شدند]، در حالی که هر گروهی به آن [آیینی] که نزد آنان است خوشحال و شادمانند [که آیینشان بر حق است]. (53)

پس آنان را در غرقاب گمراهی و جهالتشان تا هنگامی [که مرگشان فرا رسد] واگذار. (54)

آیا گمان می‌کنند افزونی و گسترشی که به سبب مال و اولاد به آنان می‌دهیم، (55)

در حقیقت می‌خواهیم در عطا کردن خیرات به آنان شتاب ورزیم؟ [چنین نیست] بلکه

[آنان] درك نمی‌کنند [که ما می‌خواهیم با افزونی مال و اولاد، در تفرقه، طغیان،

گمراهی و تیره‌بختی بیشتری فرو روند.] (56)

یقیناً آنان که از بیم پروردگارشان هراسان و نگرانند، (57)

و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان می‌آورند. (58)

و آنان که به پروردگارشان شرك نمی‌ورزند. (59)

ترجمه انصاریان، ص: 346

و آنان که آنچه را [از زکات و دیگر انفاقات در راه خدا] می‌پردازند، [و در حالی

که] می‌پردازند و دل‌هایشان از اینکه به سوی پروردگارشان [برای محاسبه دقیق] باز

می‌گردند، ترسان است. (60)

اینانند که در کارهای خیر می‌شتابند، و در [انجام دادن] آن [از دیگران] پیشی

می‌گیرند. (61)

و هیچ کس را جز به اندازه گنجایش و توانش تکلیف نمی‌کنیم، و نزد ما کتابی [چون

لوح محفوظ] است که [درباره همه امور آفرینش و نسبت به اعمال بندگان] به درستی

و راستی سخن می‌گوید، و آنان [در پاداش و کیفر] مورد ستم قرار نمی‌گیرند. (62)

[چنین نیست که کافران تکلیف را بیش از اندازه گنجایش و توان خود حس کنند]
بلکه دل‌هایشان از این [حقیقت] در بی‌خبری عمیقی است، و برای آنان غیر از این
[بی‌خبری] اعمالی [زشت و ناپسند] است که همواره آنها را انجام می‌دهند، (63)
تا زمانی که عیاشان و مرفّهان آنان را به عذاب بگیریم، ناگهان فریاد و ناله سر دهند و
[به آوای بلند] استغاثه کنند. (64)

[به آنان گویند:] امروز فریاد و ناله سر ندهید زیرا شما از سوی ما یاری نخواهید شد.
(65)

همانا آیات من را بر شما می‌خواندند و شما به پشت سرتان به قهقرا برمی‌گشتید [تا آن
را نشنوید!] (66)

در حالی که به آن تکبر می‌ورزیدید [و در بزم] شبانه [خود درباره آن] هذیان
می‌گفتید [و سخنان نامعقول به زبان می‌آوردید]. (67)

آیا در این سخن [که وحی خداست] نیندیشیدند؟ یا مگر [برای اولین بار] کتابی برای
آنان آمده است که برای پدران پیشین آنان نیامده بود؟ (68)

یا مگر پیامبرشان را [از لحاظ حسب، نسب، درستی، امانت، اخلاق و کرامت]
نشناخته‌اند که منکر او هستند؟ (69)

یا می‌گویند: نوعی دیوانگی به اوست؟ [چنین نیست که این یاوه‌گویان به هم می‌بافند] بلکه او حق را برای آنان آورده است، و بیشترشان حق را خوش ندارند، (70)

و اگر حق از هواهای نفس آنان پیروی می‌کرد، بی‌تردید آسمان‌ها و زمین و هر که در آنهاست از هم می‌پاشید [و تباه می‌شد چنین نیست که حق از هواهای نفس آنان پیروی کند] بلکه کتاب [ی را که مایه شرف و سربلندی] آنان [است] به آنان داده‌ایم، ولی آنان از مایه شرف و سربلندی خود روی گردانند، (71)

یا [مگر برای ادای وظیفه‌ات] مزدی از آنان می‌خواهی [که پذیرش دعوت برای آنان سنگین است؟] پس مزد پروردگارت بهتر است، و او بهترین روزی دهندگان است، (72)

و مسلماً تو آنان را به راهی راست دعوت می‌کنی، (73)

و بی‌تردید کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند از [این] راه منحرف‌اند. (74)

ترجمه انصاریان، ص: 347

و اگر به آنان رحم کنیم و آسیب و گزندى را که دچار آن هستند [از آنان] برطرف سازیم، باز هم سرگردان و متحیر در سرکشی و طغیانشان لجاجت می‌ورزند. (75)

همانا ما آنان را به بلاها و آسیب‌ها [ی دنیایی] گرفتیم، ولی نه برای پروردگارشان فروتنی کردند و نه به پیشگاهش زاری می‌کنند، (76)

تا هنگامی که دری از غذایی سخت به روی آنان بگشاییم، ناگهان در آن حال از همه چیز مأیوس و نومید می‌شوند (77)

و اوست که برای شما گوش و دیده و دل پدید آورد، ولی اندکی سپاس‌گزاری می‌کنید، (78)

و اوست که شما را در زمین آفرید و عاقبت به سوی او گردآوری می‌شوید، (79)
و اوست که حیات می‌دهد و می‌میراند و رفت و آمد شب و روز در سیطره خواست اوست، آیا نمی‌اندیشید؟ (80)

[نه اینکه نمی‌اندیشند] بلکه مانند همان [سخنان یاوه و بی‌منطق] را گفتند که پیشینیان گفتند، (81)

گفتند: [که] آیا زمانی که بمیریم و خاک و استخوان شویم حتماً برانگیخته می‌شویم؟ (82)

همانا این [برانگیخته شدن] را پیش از این به ما و پدرانمان وعده دادند [ولی] این جز افسانه خرافی پیشینیان نیست (83)

بگو: اگر معرفت و شناخت دارید، بگویید: زمین و هر که در آن است از کیست؟ (84)

خواهند گفت: از خداست. بگو: با این حال آیا متذکر نمی‌شوید؟ (85)

بگو: مالك آسمان‌های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ کیست؟ (86)

خواهند گفت: [آنها هم] در سیطره مالکیت خداست. بگو: آیا [از پرستش بتان]

نمی‌پرهیزید؟ (87)

بگو: اگر معرفت و شناخت دارید [بگویید]: کیست که [حاکمیت مطلق و]

فرمانروایی همه چیز به دست اوست و او پناه دهد و برخلاف خواسته‌اش به کسی [از

عذاب] پناه ندهد. (88)

خواهند گفت: [این ویژگی‌ها] فقط برای خداست. بگو: پس چگونه [بازیچه] نیرنگ

و افسون می‌شوید [و از راه خدا منحرفتان می‌کنند؟!]. (89) ترجمه

انصاریان، ص: 348

چنین نیست [که آنان می‌گویند] بلکه ما حق را برای آنان آورده‌ایم، و بی‌تردید آنان

دروغگویند. (90)

خدا هیچ فرزندی برای خود نگرفته است، و هیچ معبودی با او نیست [اگر جز خدا

معبودی بود] در این صورت هر معبودی [برای آنکه به تنهایی و مستقل تدبیر امور

کند] آفریده‌های خود را با خود می‌برد [و از مدار تصرف دیگر معبودان خارج

می‌کرد] و بر یکدیگر برتری می‌جستند. منزّه و پاك است خدا از آنچه [او را به آن]

وصف می‌کنند. (91)

[همان] دانای نهان و آشکار پس او از آنچه برایش شریک می گیرند، برتر است.
(92)

بگو: پروردگارا! اگر آن [عذابی] را که به آنان وعده می دهند، به من بنمایانی (93)
پس پروردگارا! مرا در میان گروه ستمکاران قرار مده [و با آنان قرین عذاب مکن].
(94)

و به یقین ما تواناییم آن عذابی که به آنان وعده می دهیم به تو بنمایانیم. (95)
بدی را با بهترین شیوه دفع کن ما به آنچه که [مشرکان به ناحق ما را به آن] وصف
می کنند، داناتریم. (96)

و بگو: پروردگارا! از وسوسه های شیطانها به تو پناه می آورم، (97)
و پروردگارا! به تو پناه می آورم از اینکه [شیطانها] نزد من حاضر شوند. (98)
[دشمنان حق از دشمنی خود باز نمی ایستند] تا زمانی که یکی از آنان را مرگ در
رسد، می گوید: پروردگارا! مرا [برای جبران گناهان و تقصیرهایی که از من سر زده
به دنیا] بازگردان (99)

امید است در [برابر] آنچه [از عمر، مال و ثروت در دنیا] واگذاشته ام کار شایسته ای
انجام دهم. [به او می گویند:] این چنین نیست [که می گویی] بدون تردید این سخنی

بی‌فایده است که او گوینده آن است، و پیش رویشان برزخی است تا روزی که
برانگیخته می‌شوند. (100)

پس هنگامی که در صور دمیده می‌شود، پس در آن روز نه میانشان خویشاوندی و
نسبی وجود خواهد داشت و نه از اوضاع و احوال یکدیگر می‌پرسند (101)
پس کسانی که اعمال وزن شده آنان سنگین [و بارزش] است، همانانند که رستگارند.
(102)

و کسانی که اعمال وزن شده آنان سبک [و بی‌ارزش] است، همانانند که سرمایه
وجودشان را از دست داده و در دوزخ جاودانه‌اند. (103)

آتش [همواره] صورت‌هایشان را می‌سوزاند، و آنان در آنجا [از شدت سوختگی]
زشت‌رویانی بد منظرند! (104)

مه انصاریان، ص: 349

[خدا به آنان می‌گوید:] آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما [همواره] آنها را
تکذیب می‌کردید؟ (105)

می‌گویند: پروردگارا! تیره‌بختی و شقاوت ما بر ما چیره شد، و ما گروهی گمراه
بودیم. (106)

پروردگارا! ما را از دوزخ بیرون آر، پس اگر [به بدی‌ها و گمراهی‌ها] باز گشتیم،
بی تردید ستمکار خواهیم بود. (107)

[خدا] می‌گوید: [ای سگان!] در دوزخ گم شوید و با من سخن مگویید! (108)
[به یاد دارید که] گروهی از بندگان من بودند که می‌گفتند: پروردگارا! ما ایمان
آوردیم، پس ما را بیامرز و به ما رحم کن که تو بهترین رحم‌کنندگانی. (109)
ولی شما آنان را به مسخره گرفتید، تا [دل مشغولی شما به مسخره آنان] یاد مرا از
خاطرتان برد، و شما همواره به [ایمان، عمل و دعا‌های] آنان می‌خندیدید!! (110)
من امروز آنان را در برابر صبری که [نسبت به مسخره و خنده شما] کردند پاداش
دادم که همه آنان کامیابند. (111)

[خدا] می‌گوید: از جهت شمار سال‌ها چه مدت در زمین درنگ داشتید؟ (112)
می‌گویند: روزی یا بخشی از روزی، ولی [ای پرسنده!] از شمارندگان [پیشگاه خود]
پرس. (113)

[خدا] می‌گوید: اگر معرفت و شناخت می‌داشتید [می‌دانستید که] جز اندکی درنگ
نکرده‌اید، (114)

آیا پنداشته‌اید که شما را بیهوده و عبث آفریدیم، و اینکه به سوی ما بازگردانده
نمی‌شوید؟ (115)

پس برتر است خدا آن فرمانروای حق [از آنکه کارش بیهوده و عبث باشد]، هیچ

معبودی جز او نیست، [او] پروردگار عرش نیکو و باارزش است. (116)

و هر کس با خدا معبود دیگری بپرستد [که] هیچ دلیلی بر حقانیت آن ندارد، حسابش

فقط نزد پروردگار اوست بدون تردید کافران، رستگار نمی‌شوند. (117)

و بگو: پروردگارا! [مرا] بیامرزد و [بر من] رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگانی.

(118)